

هشدار نسبت به اقدامات غرب علیه تهران

سناریوهای آینده روابط ایران و آمریکا

تشدید تنش یا توافق؟

سکون موجود در تحولات و روابط میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، پس از جنگ تحمیلی از مهم‌ترین کانون‌های گمانه‌زنی و تحلیل‌های سیاسی در رسانه‌های مختلف است. تحلیل‌هایی که عمدتاً درباره دلایل این ایستایی و سناریوهای پیش‌روی دو کشور به بحث می‌پردازند.

◀تشدید تنش

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و ایران در سال ۲۰۲۵ بسیاری از تصورات دیرینه را در هم شکست و روابط ایالات متحده و ایران را وارد عرصه‌ای ناشناخته کرد. ریسپانسیبیل استییت گرفت نوشت؛ این درگیری، که نقطه اوج تازه‌ای در تنش‌های چند دهه‌ای محسوب می‌شود، خاورمیانه را بر لبه بی‌ثباتی گسترده‌تری قرار داده است. با فروکش کردن بحران، ایالات متحده در برابر نقطه عطفی حیاتی در رویکرد خود به ایران قرار گرفته است؛ نقطه‌ای که می‌تواند برای دهه‌ها آینده مسیر منطقه را تعریف کند. چهار سناریوی محتمل در برابر چشم ما قرار دارد که هر یک پیامدهایی عمیق برای امنیت جهانی، ثبات منطقه‌ای و سیاست خارجی آمریکا به همراه خواهد داشت. نخستین سناریو، تشدید متقابل و بی‌پایان تنش است؛ چرخه‌ای ناپایدار از حملات، خرابکاری و تحریم‌ها که مدت‌هاست مشخصه روابط ایران و آمریکا بوده و در جنگ اخیر به اوج تازه‌ای رسید. در این مسیر، ایران توانمندی‌های هسته‌ای و نظامی خود را بازسازی کرده، غنی‌سازی را متوقف نمی‌کند، اما از مرز تسلیحاتی شدن عبور نمی‌کند. واشنگتن و تل‌آویو نیز این وضعیت را غیرقابل تحمل دانسته و با تحریم‌های بیشتر، عملیات مخفی یا حتی حملات بزرگ‌تر پاسخ می‌دهند. این مسیر به رهبران سه پایتخت اجازه می‌دهد بدون مصالحه، چهره‌ای سخت‌گیرانه به نمایش گذارند، اما این مسیر سرشار از خطر است. محاسبات اشتباه که در جنگ اخیر آشکار شد می‌تواند به جنگی تمام‌عیار منطقه‌ای بینجامد و با زیرگان دیگری از لبنان تا خلیج فارس را درگیر سازد. تشدید تنش، توهم کنترل می‌آفریند و این در حالی است که شرایط به‌سوی فاجعه‌گام برمی‌دارد.

◀توافق در صورت عقب‌نشینی یک طرف

گزینه دیگر بازرگشت به مذاکرات جدی است، اما چنین امری مستلزم عقب‌نشینی یکی از طرفین در موضوع اصلی یعنی غنی‌سازی اورانیوم خواهد بود. بر اساس توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، ایران مجاز به برنامه‌ای محدود از غنی‌سازی تحت نظارت سخت‌گیرانه و گسترده‌ترین نظام بازرسی تاریخ در یک کشور غیرهسته‌ای بود؛ توافقی که بارها از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نهادهای اطلاعاتی آمریکا تأیید شد. اوایل امسال، استیو ویتکاف، نماینده ترامپ، ظاهراً نسبت به چارچوبی مشابه تمایل نشان داد، اما تحت فشار اسرائیل و تمایل ترامپ برای فراتر رفتن از دستاوردن اوپاما، دولت او به مطالبه حد اکثری از غنی‌سازی صفری «بازگشت؛ خط قرمزی که ایران در بیش از دو دهه بحران هسته‌ای هرگز نپذیرفته است. با این حال، دیپلماسی به‌طور کامل از میان نرفت. یکی از طرح‌های خلاقانه مطرح شده ایجاد یک «کنسرسیوم منطقه‌ای غنی‌سازی» شامل ایران و شرکای آمریکا در خلیج فارس بود تا غنی‌سازی را به‌طور مشترک مدیریت و نظارت کند. حتی دور ششم مذاکرات نیز برنامه‌ریزی شده بود، اما حمله اسرائیل به ایران روند را برهم زد و آنچه می‌توانست نقطه عطفی باشد را متوقف ساخت. با این همه، موانع ساختاری بایر جا بود. به احتمال زیاد نتانیاوو موضوع را به حوزه موشکی یا مناقشات منطقه‌ای منتقل می‌کرد تا خصومت زنده بماند. در این محاسبه، ایران همواره نقش «قربانی ضروری و اجتناب‌ناپذیر» را ایفا کرده است. آیا امکان تغییر این رویکرد وجود دارد؟ تحلیلگران علی‌واظ و دنی سیرترینوویچ پیشنهاد میمان عدم تعرض ایران –اسرائیل را مطرح کرده‌اند. در تئوری، ترامپ، که تشنه «توافق تاریخی» است ممکن است آن را فرصتی بداند. اما با وجود بی‌اعتمادی در ایران و نتانیاوو که از تهدید ایران برای پیشبرد اهداف سیاسی و ایدئولوژیک خود بهره‌برداری می‌کند، تحقق آن بعید به نظر می‌رسد.

◀یورش هسته‌ای ایران

به ادعای این رسانه ایران، در تنگنای فشار بی‌امان، برای دستیابی به سلاح هسته‌ای به‌عنوان بازدارنده نهایی، شتاب گیرد. سوسه چنین راهی برای کشوری که با تهدیدهای وجودی از سوی آمریکا و اسرائیل روبه‌روست روشن، اما خطرات آن بسیار جدی است. حتی در صورت موفقیت ایران در ساخت زرادخانه هسته‌ای، با انزوی شدیدتر، رقابت تسلیحاتی منطقه‌ای و تداوم جنگ پنهانی مواجه خواهد شد. تجربه روسیه نشان می‌دهد که سلاح هسته‌ای مانع فشار اقتصادی یا جنگ‌های فرسایشی نمی‌شود. برای ایران نیز بعب به مشکلات اقتصادی را حل می‌کند، نه تحریم‌ها را برمی‌دارد و نه مانع خرابکاری‌ها می‌شود؛ بنابراین هرچند سوسه عبور از آستانه هسته‌ای ممکن است افزایش یابد، این مسیر پرخطر و احتمالاً شکست‌آمیز خواهد بود.

◀صبر راهبردی و چرخش به شرق

چهارمین سناریو مبتنی بر «صبر راهبردی» است. ایران وضع موجود را حفظ کرده، در دیپلماسی تاکتیکی مشارکت می‌کند بدون آن‌که انتظار گشایش داشته باشد. توان موشکی و پدافندی خود را بازسازی کرده، روابط نظامی و اقتصادی با چین و روسیه را تعمیق می‌بخشد و اساساً امید به آشتی با آمریکا و اروپا را کنار می‌گذارد. این مسیر با رزتاب محاسبه بلندمدت رهبر ایران است؛ بقا، تثبیت و انتظار برای تغییر موازنه جهانی در زمانی که توجه آمریکا به‌طور اجتناب‌ناپذیر به نقاط دیگر معطوف شود. برخلاف بی‌ثباتی سناریوی نخست، این گزینه راهبردی مبتنی بر «تحمل و دوام» است. ایران از اقدامات نمایشی پرهیز می‌کند و به بازی بلندمدت روی می‌آورد؛ تحمل تحریم‌ها، جذب ضرایب و اتکاب به زمان و استقامت برای فرسایش فشار آمریکا. جذابیت این گزینه رو به افزایش است، به‌ویژه با توجه به عملکرد چشمگیر فناوری نظامی چین در جنگ اخیر پاکستان و هند. برای تهران، که به‌شدت نیازمند سامانه‌های دفاعی پیشرفته‌تر است، ظهور یکن به‌عنوان تأمین‌کننده‌ای قابل اتکا، چرخش به شرق را مطلوب‌تر ساخته است. البته این مسیر بدون هزینه نیست، چنین رویکردی انزوی ایران از بازارهای آمریکا و اروپا را تثبیت کرده و خطر وابستگی بیش از حد به چین و روسیه را در پی دارد. با این حال، با روحیه پس از انقلاب اسلامی مبنی بر مقاومت و اتکای به خود همچنان است؛ مسیری که ایران را قادر می‌سازد بقاء یابد، تثبیت شود و بر این‌بار وور تکیه کند که جهانی چندقطبی در نهایت از نفوذ آمریکا در خاورمیانه خواهد کاست.

مجید ابهری در گفت وگو با «آرمان ملی»:

نه جنگ، نه صلح

چالش‌های اقتصادی را

تشدید کرده است

نخبگان جامعه باید فضای یأس و ناامیدی را بشکند

کسب وکار هانی می‌توانند برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند

آرمان ملی – احسان انصاری: وضعیت «نه جنگ، نه صلح» چه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی برای جامعه ایران خواهد داشت؟ این وضعیت تا چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد و واکنش مدیران جامعه نسبت به آن چه خواهد بود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مجید ابهری آسیب شناس اجتماعی گفت‌وگو کرده است. ابهری معتقد است: «در روزهای جنگ و حتی پس از آن شاهد تقویت انسجام اجتماعی بودیم اما پس از مدتی با توجه به مشهود بودن بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دوباره در روند نزولی قرار گرفته است. اگر روند سقوط سرمایه اجتماعی ادامه پیدا کند اقتصاد ما نیز زمین‌گیر می‌شود.

◀جامعه ایران پس از جنگ ۱۲ روزه در حالت نه جنگ

نه صلح قرار گرفته که پیش‌بینی شرایط را برای مردم و حتی مدیران جامعه سخت کرده است. ادامه این وضعیت چه پیامدهای روانی واجتماعی خواهد داشت؟

انسان با انرژی امید و قدرت ماورایی آن می‌تواند بر انواع ناچاری‌ها و ناتوانی‌ها غلبه نموده و حتی جاده‌های پیش‌رو را از سنگ و خاشاک تهی نماید. در واقع در ابعاد رفتاری و گستره‌های رسیستی امید و استقامت بر مبنای امیدواری‌ها و تکیه‌گاه‌های مادی و توانمندی‌های اقتصادی همین آثار را بر حرکات و روکده‌ها دارند. تنش‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی از آلترناتیوهای موثر در تضعیف رشد اقتصادی و یانسرعیع آن می‌باشند. فرآیند تحولات اقتصادی، اجتماعی هر جامعه با سه نوع تغییر مثبت یعنی پیشرفت، رشد و توسعه روبه‌رو است. مثلاً اگر طول بزرگراه‌های ما بیشتر شود رشد داریم؛ اگر کیفیت آسفالت بزرگراه‌ها و علائم رانندگی دوربین‌های کنترل و خط‌کشی‌ها و نورپردازی‌های آنها بهتر و بیشتر شود رشد پیشرفت کرده‌ایم. این در حالی است که قانونمند شدن کارکنان و توسعه سازوکارهای انسانی فرایندهای سازمانی و فرهنگ رفتاری و الگوهای فکری در میان کارکنان مدیران و مهندسان متحول‌تر و پویاتر و کم هزینه‌تر شود در مسیر توسعه حرکت کرده‌ایم. واقعیت این است که امروز گویی عباری از غم در فضای جامعه پراکنده شده است. این در حالی است که یکی از اصلی‌ترین دلایل تشدید چالش‌های اقتصادی و کندی حرکات مالی گسترده‌گی شرایط نه جنگ و نه صلح در جامعه است.

◀این شرایط تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

هنوز نمی‌توان به صورت دقیق در این زمینه اظهارنظر کرد و همه چیز بستگی به تصمیماتی دارد که در آینده گرفته می‌شود. آنچه در شرایط کنونی حائز اهمیت ویژگی‌های اجتماعی و روانی جامعه است. در شرایط کنونی داد و ستد ما همه در ابعاد متوسط و بالاتر به علت نگرانی‌ها می‌تواند از آینده دچار رکود کامل شده است. وقتی سخن از آینده می‌شود غرض فاصله چند سال و چند ماه نیست بلکه هدف چند ماه و چند هفته و حتی چند روز است. امروز فروشنده اقلام خرده فروشی حتی نمی‌داند کالا واجناسی را که در حجم چند کیلومی فروشد اگر به دست مشتری دهد قادر است که فردا با همین قیمت خریداری کند؟ پس نمی‌فروشد و مخفی می‌کند تا وضعیت جنگ روشن شود. سرمایه‌گذاری در ساخت وسازه‌ها مخصوصاً در طرح‌های عمرانی ساختمانی اعم از برنامه‌های خصوصی و طرح‌های بزرگ دولتی دچار توقف یا کندی آزار دهنده شده است. طرح‌های تولیدی و صنعتی در راستای اشتغالزایی، کارآفرینی و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی از نظر افزایش ریسک‌های خطرپذیری و عدم اعتماد به سوددهی کوتاه و میان‌مدت دچار وقفه شده و مدیران این‌گونه فرایندها حداقل آهسته و دست به عصا حرکت خواهند کرد. در ارزیابی چشم اندازهای پلاتکلیفی و سرگشتگی سیاسی مخصوصاً در شرایط حاضر که صدها سایت اینترنتی و شبکه پاره وقت وتمام وقت به زبان فارسی از طرف آواره‌های البانی نشین توسط منافقین پای بر لب گور گذاشته اداره شده و همواره مشغول سمپاشی افکار مشتریان اینترنتی می‌باشند.



دلیل آن نیز این است که چون بر اثر کاهش سرمایه اجتماعی هزینه مبادله در اقتصاد بالا می‌رود و در این صورت تحقق کارایی نیز متوقف خواهد شد. ریشه تورم در کیفیت نظام حکمرانی هر کشور است و تا زمانی که سیاست‌های حکمرانی اصلاح نشود این وضعیت ادامه خواهد داشت. نکته مهم اینکه عقلانیت مردم نسبت به بحران‌های کشور به معنای تأیید برخی مدیرت‌ها نیست و کسی نباید تفسیر اشتباهی از این رفتار داشته باشد. از سوی دیگر تحمل مردم نیز دارای حد و اندازه‌ای است و روزی به پایان می‌رسد.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

در مقابل چشمان نسل فردای کشور به وجود بیاورند.

◀ به نظر می‌رسد سیاست اصلی آمریکا و اسرائیل نگره داشتن ایران در وضعیت پلاتکلیفی است تا هزینه‌های اقتصادی را افزایش دهند. به نظر شما واکنش ایران باید نسبت به این وضعیت چه باشد؟

باید از این وضعیت خارج شد و نباید اجازه داد ادامه پیدا کند. آمریکا با پشتوانه هوش مصنوعی با اهداف کذب بزرگ‌نمایی و زیاده‌گویی‌های فریبنده امکانات و تجهیزات نظامی خود و فرزند نامشروعش را شکست‌ناپذیر و محیرالعقول جلوه‌گر می‌کند و از این به‌گذر تلاش می‌کند ترس و وحشت از امکانات و تجهیزات خود را بر ذهن و مغز مردم جامعه بیندازد. در همین جنگ ۱۲ روزه ما هیچ واقعی اسرائیل مشخص کرد. از کنبند آهنگین که حلبی بود تا عصای موسی و کفش فرعون که تهی‌از واقعیت بود نشان به دوست و دشمن آشکار شد. بلوف‌های بزرگ‌تر از دهان نتانیاوو به ساکنان تل‌آویو ثابت کرد که ویروس جنگ‌بندی نیز به تمام مناطق آن کشور سرایت کرده و تا دیر نشده ترامپ باید فکری به حال ایادی خود کند. البته این وضعیت نباید در نگاه به واقعیت‌های جامعه‌تأثیر بگذارد. واقعیت این است با نگاه جامعه شناسانه سرمایه اجتماعی ما در حال سقوط است و برمنحنی نزولی حرکت می‌کند.

◀آیا در دوران پس از جنگ این وضعیت تشدید شده؟

بله؛ در روزهای جنگ و حتی پس از آن شاهد تقویت انسجام اجتماعی بودیم اما پس از مدتی با توجه به مشهود بودن بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دوباره در روند نزولی قرار گرفته است. اگر روند سقوط سرمایه اجتماعی ادامه پیدا کند اقتصاد ما نیز زمین‌گیر می‌شود. دلیل آن نیز این است که چون بر اثر کاهش سرمایه اجتماعی هزینه مبادله در اقتصاد بالا می‌رود و در این صورت تحقق کارایی نیز متوقف خواهد شد. ریشه تورم در کیفیت نظام حکمرانی هر کشور است و تا زمانی که سیاست‌های حکمرانی اصلاح نشود این وضعیت ادامه خواهد داشت. نکته مهم اینکه عقلانیت مردم نسبت به بحران‌های کشور به معنای تأیید برخی مدیریت‌ها نیست و کسی نباید تفسیر اشتباهی از این رفتار داشته باشد. از سوی دیگر تحمل مردم نیز دارای حد و اندازه‌ای است و روزی به پایان می‌رسد. بیان مشکلات و اشاره به تلخکامی‌ها و نارسایی‌ها هیچ‌از ارتباطی به تضعیف دولت و آشوب طلبی و نافرمانی ندارد. برخی مدیران مسئولیت کارهای خود را نمی‌پذیرند و گردن دیگران می‌اندازند. این وضعیت به یک دور تسلسل در کشور تبدیل شده و به همین دلیل نیز مشکلات حل نمی‌شود و بلکه روزبه‌روز تشدید می‌شود. کسی که خود را به عنوان مسئول معرفی می‌کند باید این نکته را در نظر داشته باشد که در مقابل مردم و کشور مسئولیت دارد. امروز مردم خسته شده‌اند. در چهل و هفت سال گذشته ملت ایران آزادی و استقلال و مفاهیم اصیل اسلامی را به عنوان چراغ راه اصلی خود انتخاب کرده و تمام هزینه‌های جانی و مالی ممکن را در این راه پرداخته و شدیدترین مشکلات را تحمل نموده‌اند. با این وجود در شرایط کنونی درمقابل کوهی از مشکلات قرار گرفته و خسته شده و منتظر گشایش‌ها و حمایت‌های عملی و کاربردی هستند.

◀بلوف‌های بزرگ‌تر از دهان نتانیاوو به

ساکنان تل‌آویو ثابت کرد که ویروس

خالی بندی نیز به تمام مناطق آن کشور

سرایت کرده و تا دیر نشده ترامپ باید

فکری به حال ایادی خود کند

سید جلال ساداتیان:

ایران غنی‌سازی را رها نمی‌کند

می‌دهد، از کنسرسیومی که مطرح شده تا همکاری‌های جمعی منطقه‌ای که آقای طریف مطرح کرده‌اند و همچنین پیشنهاد جدیدی که آقای تخت‌روانچی گفته است. ساداتیان با تأکید بر اینکه باید ببینیم در این زورآزمایی، طرفین با توجه به تمام امکاناتی که دارند، تا کجا پیش می‌روند، بیان کرد: غرب فکر می‌کند که می‌تواند تهدید جنگ را دوباره بالا نگه دارد و با توجه به جماعت تهدید شورای امنیت، حداکثر فشار را وارد کنند تا به جایی برسند که ایران تسلیم شود. ایران به هر صورت دنبال این است که غنی‌سازی را رها نکند.

یادداشت

دیدار در آلاسکا

انتظاری که برآورده نشد



بهرام امیراحمدیان

کارشناس مسائل روسیه

وزیر خارجه روسیه در روز دیدار سران دو کشور اعلام کرد که موضع ما مشخص و آشکار است و آن را مطرح خواهیم کرد. ما تلاش‌های گسترده‌ای برای تشریح موضع روسیه در جریان سفر استیو ویتکاف به روسیه انجام دادیم و به تداوم این گفت‌وگوی سازنده امیدواریم. آنگونه که خبرگزاری‌های خارجی اعلام کرده‌اند، در نشست روز ۱۶ اوت ۲۰۲۵ در آلاسکا بین ترامپ و پوتین، نه آتش‌بس اوکراین، بلکه یک پیروزی روابط عمومی برای پوتین بود؛ نکات کلیدی از نشست ترامپ در آلاسکا یا رئیس‌جمهور روسیه، جنگ در اوکراین ادامه خواهد یافت در حالی که رهبران ایالات متحده و روسیه به نارضایتی‌های قدیمی حسیده‌اند و کلمات گرم رد و بدل می‌کنند. نشست بسیار تبلیغاتی دونالد ترامپ با ولادیمیر پوتین در آلاسکا روز جمعه ۱۶ اوت پس از تنها چند ساعت با ارائه جزئیات کمی در مورد آنچه آنها در مورد آن بحث کردند و عدم توافق برای پایان دادن به جنگ در اوکراین، به‌رغم سخنان گرم بین دو رهبر، به پایان رسید همان‌طور که دونالد ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی کوتاه خود با ولادیمیر پوتین اعلان کرد، «تفاقم» و «پیشرفت» دو سوی قیانتوس آرام جداز یک توافق هستند. در پایان نشست که بیشتر به خاطر نمایش ظاهری آن قابل توجه بود، خبرنگاران نامید اجازه نداشتند سؤال بپرسند. ترامپ اعلان کرد: «تا زمانی که مصالحه‌ای حاصل نشود، توافقی وجود ندارد»، در حالی که پوتین مذاکرات آنها را تنها به‌عنوان یک «نقطه مرجع» برای پایان دادن به درگیری و به‌طور قابل ملاحظه‌ای سکوی پرتاب بالقوه برای روابط دیپلماتیک و اقتصادی بهتر بین واشنگتن و مسکو توصیف کرد. پوتین در پیامی به کی‌یر استارمر و سایر رهبران منطقه‌ای که در آستانه نشست حمایت‌علنی خود را از زلنسکی نشان دادند، به «پایتخت‌های اروپایی» در مورد «اجباجد موانع» برای صلح در اوکراین هشدار داد. او گفت: «من بیش از یک بار گفته‌ام که برای روسیه، رویدادهای اوکراین با تهدیدات اساسی برای امنیت ملی ما همراه است.» این نشست به دلیل غیبت زلنسکی (مردی که کشوری را رهبری می‌کند که سرزشت‌اگان کنون در دستان تیش پس و صلح هدایت پوتین است. در سوی دیگر ترامپ است که در حمایت از رژیم اسرائیل در کشتار و جنایت جنگی در غزه، کمتر از نتانیاوو نیست. حال از این دوروبر خواسته می‌شود که جنگ در اوکراین را به‌سوی آتش‌بس و صلح هدایت کند. کی‌ف شاید بتواند از این واقعیت‌آرامش یابد که به نظر می‌رسد ترامپ همه خواسته‌های پوتین را نپذیرفته است. ترامپ در پایان اظهارات خود به رسانه‌ها، تقریباً به‌عنوان یک فکر بعدی، گفت که به‌زودی با رهبر اوکراین همراه با رهبران ناتو تماس خواهد گرفت. این دیدار در آلاسکا برگزار شد، بخشی از خاک ایالات متحده در غرب کانادا به مساحت تقریبی ایران که در گذشته به روسیه تعلق داشته است. آمریکا ایالات آلاسکا را روسیه خریداری کرده‌چند که روس‌ها هنوز ادعای مالکیت آن را دارند و به دفعات بمب‌افکن‌ها آن‌ها می‌استراتژیک خود را، در حوالی این منطقه به پرواز درآورده‌اند. احتمال می‌رود ترامپ با دعوت از پوتین برای سفر به آلاسکا به دنبال آن است که نشان‌دهان منطقه قرن هاست که بین این دو منطقه‌ای دارد، نه به روسیه، یعنی او به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، پوتین را به سرزمین آمریکا دعوت کرده است. از سوی دیگر به لحاظ سمبلیک این دیدار بسیار مهم است؛ آمریکا کانه نمایی‌نگی از جانب کشورهای اروپایی و فاصله کم محل برگزاری در دزرتین نقاط آمریکا و نزدیک به روسیه در آن سوی دریای برینگ با پوتین دیدار می‌کند. نژاد در بین این دو منطقه هیچ کشوری وجود ندارد که مانع پرواز هواپیماهای پوتین و اجرای دستور دستگیری پوتین به‌عنوان جنایتکار جنگی شود. این دیدار در ساختار قدرت در جهان، به معنی مناسبات قدرت یعنی یک ابرقدرت جهانی با ابرقدرت منطقه‌ای (روسیه) است، که با زمانده‌ای از بلوک قدرتمند شرق است. شرق قوی‌تر باشد که هر یک از کشورهای محصور در جغرافیا یا با مشکلی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند، با این حال نظام بین‌الملل نمی‌تواند آن را به‌عنوان متجاوز به تعمیم‌راضی کشوری دیگر تنبیه کند (زیرا باوتوی و مساجه خواهد شد) و ترامپ نیز در بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران منشور بین‌الملل را در ممنوعیت بمباران سایت‌های هسته‌ای زیر پا گذاشته و از رژیم اسرائیل در کشتار جمعی و جنایت جنگی حمایت می‌کند. روسیه با جمعیت ۱۴۲ میلیون نفری و مساحتی برابر ۱۷ میلیون کیلومتر مربع، قلمروهای بزرگی با تارکم بسیار کم دارد که می‌تواند روس‌تباران داخل جمهوری‌های شوروی سابق را در آن مستقر و اندیشه «جهان روسی» را در «اوراسیای» مورد نظر خود سکنی دهد و به بزرگ‌ترین کشور جهان از نظر قدرت و وسعت تبدیل شود. ولی رویای روس‌ها برقرار نیست دوباره اتحاد شوروی است پوتین فروپاشی آن را غیرقانونی و امکان احیای دوباره آن را در پس ذهن خود دارد. ترس اتحادیه اروپا از روسیه و لزوم حمایت ایالات متحده شکل‌گیری دوباره بلوک شرق با تعریفی دیگر است که ثبات مرزهای اتحادیه اروپا را برهم می‌زند. رها کردن قفقاز به‌ویژه ازمنستان با جایگاه ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد آن خروج/امنستان از پیمان امنیت دسته جمعی (به ریاست روسیه) و خارج کردن ۲۰۰۰ پاسدار صلح روسی از منطقه قفقاز و انتقال آنان از جبهه نبرد اوکراین، قفقاز را به دست از ناپاچان و ترکیه با اسرمداری ایالات متحده واگذاشت. بازگشت روسیه به منطقه آفتور که روس‌ها بدان توسل می‌جویند، ابزارهای فشار دوره شوروی است که می‌تواند با جنگ‌های خونین همراه باشد که از پوتین وپازانر عبیدت‌نست زپار در گرجستان و کریمه این ابزارها را به کار گرفته‌اند.